

فصل ۱

تحلیل تطبیقی

خلاصه فصل:

این فصل به تحلیل تطبیقی تاریخ سیاسی فرانسه از سه منظر می‌پردازد: نخست، مقایسه درونی میان رژیم‌های مختلف فرانسه از ۱۷۸۹ تا ۲۰۲۴؛ دوم، شناسایی الگوهای تکرارشونده در این تاریخ پرفرازونشیب؛ و سوم، مقایسه بیرونی با مسیرهای تحول سیاسی در کشورهای دیگر، به‌ویژه انگلستان، آلمان و ایالات متحده.

پرسش‌های محوری:

- چرا فرانسه ۱۵ رژیم مختلف داشته، در حالی که انگلستان همان پارلمان را حفظ کرده؟
 - آیا الگویی در انقلاب‌های فرانسه وجود دارد؟
 - چه عواملی ثبات یا بی‌ثباتی رژیم‌ها را تعیین کرده‌اند؟
 - «استثنای فرانسوی» چیست و آیا واقعی است؟
- رویکرد:** تحلیل ساختاری، نهادی، فرهنگی و تطبیقی.

۱.۱ مقایسه رژیم‌های فرانسه

۱.۱.۱ فهرست رژیم‌ها از ۱۷۸۹

محاسبه:

در ۲۳۵ سال (۱۷۸۹-۲۰۲۴)، فرانسه ۱۵ رژیم مختلف داشته است—یعنی به‌طور میانگین هر ۷.۱۵ سال یک رژیم جدید. البته این میانگین گمراه‌کننده است، زیرا جمهوری سوم (۷۰ سال) و پنجم (۶۶+ سال) بخش بزرگی از این دوره را پوشش می‌دهند.

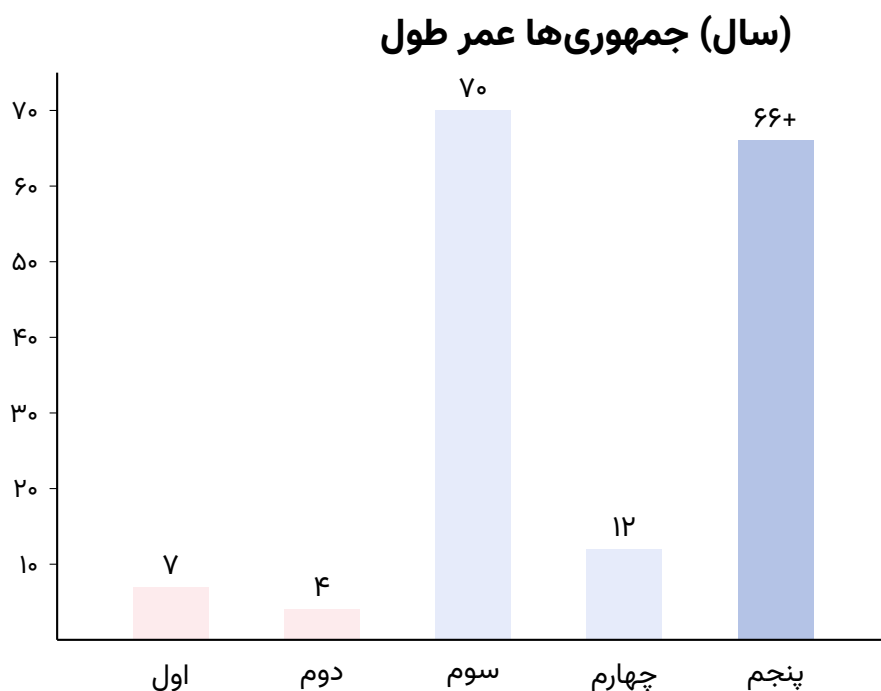
جدول ۱.۱: رژیم‌های فرانسه از ۱۷۸۹ تا ۲۰۲۴

ش.س	رژیم	دوره	مدت	پایان
۱	سلطنت مشروطه	۱۷۸۹-۱۷۹۲	۳ سال	انقلاب
۲	جمهوری اول	۱۷۹۲-۱۷۹۹	۷ سال	کودتا
۳	کنسولگری	۱۷۹۹-۱۸۰۴	۵ سال	تبدیل به امپراتوری
۴	امپراتوری اول	۱۸۰۴-۱۸۱۴	۱۰ سال	شکست نظامی
۵	بازگشت بوربون (اول)	۱۸۱۴-۱۸۱۵	۱ سال	صد روز
۶	صد روز	۱۸۱۵	۱۰۰ روز	شکست نظامی
۷	بازگشت بوربون (دوم)	۱۸۱۵-۱۸۳۰	۱۵ سال	انقلاب
۸	سلطنت ژوئیه	۱۸۳۰-۱۸۴۸	۱۸ سال	انقلاب
۹	جمهوری دوم	۱۸۴۸-۱۸۵۲	۴ سال	کودتا
۱۰	امپراتوری دوم	۱۸۵۲-۱۸۷۰	۱۸ سال	شکست نظامی
۱۱	جمهوری سوم	۱۸۷۰-۱۹۴۰	۷۰ سال	شکست نظامی
۱۲	ویشی	۱۹۴۰-۱۹۴۴	۴ سال	آزادی
۱۳	دولت موقت	۱۹۴۴-۱۹۴۶	۲ سال	قانون اساسی
۱۴	جمهوری چهارم	۱۹۴۶-۱۹۵۸	۱۲ سال	بحران الجزایر
۱۵	جمهوری پنجم	۱۹۵۸-...	۶۶+ سال	ادامه‌دار

۲.۱.۱ مقایسه پنج جمهوری

جدول ۲.۱: مقایسه تفصیلی پنج جمهوری فرانسه

ویژگی	جمهوری اول	جمهوری دوم	جمهوری سوم	جمهوری چهارم	جمهوری پنجم
دوره	۱۷۹۲-۱۷۹۹	۱۸۴۸-۱۸۵۲	۱۸۷۰-۱۹۴۰	۱۹۴۶-۱۹۵۸	۱۹۵۸-...
مدت	۷ سال	۴ سال	۷۰ سال	۱۲ سال	۶۶+ سال
زایش	سقوط سلطنت	انقلاب ۱۸۴۸	شکست سدان	آزادی	بحران الجزایر
پایان	کودتای ناپلئون	کودتای لویی-ناپلئون	شکست ۱۹۴۰	کودتای ۱۳ مه	ادامه دار
قوه مجریه	کمیته‌ها/دیرکتوار	رئیس‌جمهور قوی	رئیس‌جمهور ضعیف	رئیس‌جمهور ضعیف	رئیس‌جمهور قوی
قوه مقننه	کنوانسیون/شوراها	یک‌مجلسی	دومجلسی قوی	مجلس ملی قوی	پارلمان محدود
حق رأی	مردان (متغیر)	همگانی مردان	همگانی مردان	همگانی	همگانی
تعداد قوانین اساسی	۳	۱	۳ قانون ۱۸۷۵	۱	۱ (۲۴ اصلاحیه)
بحران اصلی	ترور، جنگ	روزهای ژوئن	دریغوس، جنگ اول	هندوچین، الجزایر	مه ۶۸، الجزایر
میراث	نمادها، ایده‌ها	رأی همگانی	لائسیسته، آموزش	تأمین اجتماعی	ثبات نهادی



۳.۱.۱ چرا برخی جمهوری‌ها دوام آوردند؟

پنجم و سوم جمهوری دوام عوامل

۷۰ (سال) سوم جمهوری

جایگزین فقدان
اجماعی

انعطاف‌پذیری
سخت اساسی قانون بدون

دفاعی ائتلاف
مشترک دشمنان علیه

۶۶+ (سال) پنجم جمهوری

قوی رهبری
مستقیم ریاست جمهوری

نهادی ثبات
عقلانی پارلمان‌تاریسم

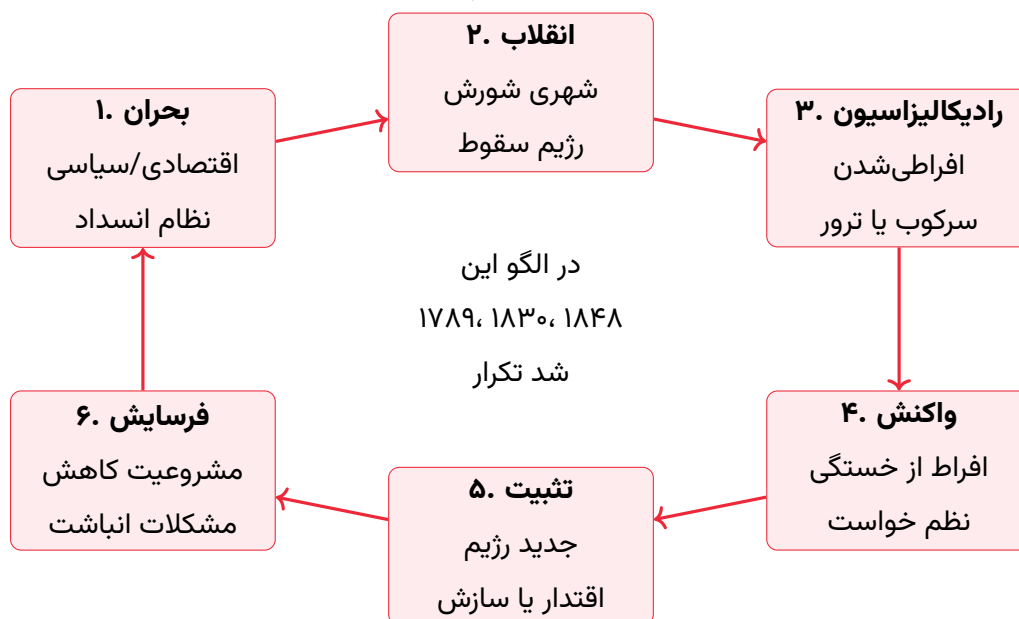
موفق چرخش
راست و چپ

بزرگ بحران‌های از بقا مشترک:
/الجزایر) ۶۸ مه – اول (دریغوس/جنگ

۲.۱ الگوهای تکرارشونده

۱.۲.۱ الگوی انقلاب فرانسوی

فرانسه انقلاب‌های چرخه‌ای الگوی



جدول ۳.۱: مقایسه سه انقلاب بزرگ

جنبه	۱۷۸۹	۱۸۳۰	۱۸۴۸
رژیم ساقط‌شده	سلطنت مطلقه	بازگشت بوربون	سلطنت ژوئیه
علت مستقیم	بحران مالی + سیاسی	فرمان‌های ژوئیه	ممنوعیت ضیافت
بازیگران	بورژوازی + توده	بورژوازی + پیشه‌وران	همه طبقات
مدت درگیری	ماه‌ها	۳ روز	۳ روز
نتیجه فوری	سلطنت مشروطه	سلطنت ژوئیه	جمهوری دوم
نتیجه نهایی	امپراتوری	جمهوری (۱۸۴۸)	امپراتوری دوم
«ربوده شد» توسط	ناپلئون	لویی-فیلیپ	لویی-ناپلئون

۲.۲.۱ الگوی «انقلاب ربوده‌شده»

الگوی تکرارشونده: انقلاب ربوده‌شده

در هر سه انقلاب بزرگ فرانسه (۱۷۸۹، ۱۸۳۰، ۱۸۴۸)، الگوی مشابهی دیده می‌شود:

۱. کسانی که می‌جنگند ≠ کسانی که پیروز می‌شوند

- ۱۷۸۹: توده‌ها باستیل را گرفتند، بورژوازی قدرت را گرفت
- ۱۸۳۰: کارگران جنگیدند، بانکداران پادشاه انتخاب کردند
- ۱۸۴۸: مردم جمهوری خواستند، ناپلئون امپراتور شد

۲. «میان‌روها» در لحظه بحرانی ابتکار را می‌گیرند

- لافایت (۱۷۸۹، ۱۸۳۰)
- تییر (۱۸۳۰)
- لامارتین (۱۸۴۸)

۳. ترس از «افراط» به واکنش می‌انجامد

- ترس از ترور ناپلئون
- ترس از جمهوری لویی-فیلیپ
- ترس از سوسیالیسم لویی-ناپلئون

۳.۲.۱ الگوی «شکست نظامی = تغییر رژیم»

جدول ۴.۱: شکست‌های نظامی و تغییر رژیم

سال	شکست	رژیم ساقط شده	رژیم جدید
۱۸۱۴	لایپزیگ، پاریس	امپراتوری اول	بازگشت بوربون
۱۸۱۵	واترلو	صد روز	بازگشت دوم
۱۸۷۰	سدان	امپراتوری دوم	جمهوری سوم
۱۹۴۰	شکست ۶ هفته‌ای	جمهوری سوم	ویشی

نکته:

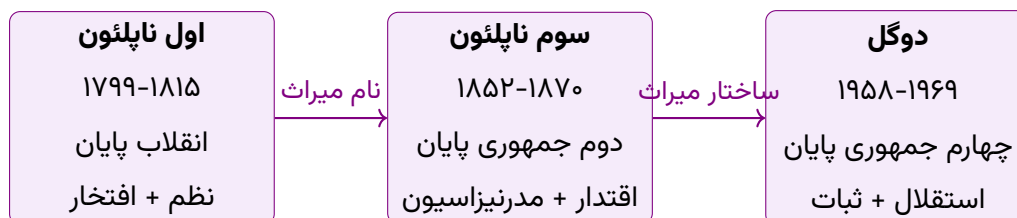
شکست نظامی تنها در صورتی به تغییر رژیم می‌انجامد که:

- رژیم مشروعیت خود را از قدرت نظامی یا افتخار ملی بگيرد (امپراتوری‌ها)
- جایگزینی آماده باشد
- شکست «تحقیق‌آمیز» تلقی شود

جمهوری سوم جنگ جهانی اول را با تلفات هولناک برد و بقا یافت—اما شکست سریع ۱۹۴۰ آن را نابود کرد.

۴.۲.۱ الگوی «مرد قوی»

فرانسه تاریخ در قوی» «مرد الگوی



مشترک: الگوی

فرد به قدرت واگذاری «نجات‌دهنده» خواست بحران
احزاب» از «فراتر + مشروعیت‌بخش همه‌پرسی‌های + قدرت تمرکز

۵.۲.۱ الگوی «پاریس در برابر شهرستان»

جدول ۵.۱: تنش پاریس-شهرستان در رویدادهای کلیدی

رویداد	پاریس	شهرستان
۱۷۸۹-۱۷۹۴	انقلابی، رادیکال	مقاومت (واندی، فدرالیسم)
۱۸۴۸	جمهوری‌خواه، سوسیالیست	محافظه‌کار، رأی به لویی-ناپلئون
۱۸۷۱	کمون	ارتش ورسای
۱۹۴۰	اشغال‌شده	ویشی
۲۰۱۸	ماکرونیست	جلیقه‌زرها

«پاریس انقلاب می‌کند، شهرستان‌ها رأی می‌دهند.»

– ضرب‌المثل سیاسی فرانسوی

۳.۱ مقایسه با کشورهای دیگر

۱.۳.۱ فرانسه در برابر انگلستان

انگلستان و فرانسه مسیر: دو

انگلستان	فرانسه
تدریجی تحول	پیایی انقلاب‌های
گذشته با تداوم	گذشته با گسست
عمل‌گرا	ایدئولوژی‌محور
۱۶۸۹ (از پارلمان همان)	رژیم ۱۵
دموکراسی + سلطنت	سلطنت VS جمهوری

داشت را ۱۶۸۸ «شکوهمند» انقلاب انگلستان **کلیدی: تفاوت**
نداشت کرد-فرانسه نهادینه را اشرافیت-بورژوازی سازش که

جدول ۶.۱: مقایسه تفصیلی فرانسه و انگلستان

انگلستان	فرانسه	جنبه
۱۶۸۸ – «شکوهمند»، بدون خونریزی	۱۷۸۹ – رادیکال، خشونت‌آمیز	انقلاب اصلی
تبعید جیمز دوم	اعدام لویی شانزدهم	سرنوشت پادشاه
نامدوّن، تکاملی	مدوّن، متعدد	قانون اساسی
ادغام تدریجی با بورژوازی	لغو امتیازات، انقلاب ضد آن	اشرافیت
کلیسای دولتی، سازش	جدایی (۱۹۰۵)، ضدکلیکالیسم	کلیسا
تجربی، تاریخی، طبقاتی	انتزاعی، حقوقی، برابر	مفهوم شهروندی
محدود، غیرمتمرکز (تا ۱۹۴۵)	قوی، متمرکز	نقش دولت
ثبات طولانی، تحول تدریجی	بی‌ثباتی طولانی، سپس ثبات	نتیجه

۲.۳.۱ فرانسه در برابر آلمان

جدول ۷.۱: مقایسه مسیرهای فرانسه و آلمان

آلمان	فرانسه	جنبه
دیر هنگام (۱۸۷۱)	زود هنگام (قرن‌ها پیش)	وحدت ملی
شکست	موفق (موقتاً)	انقلاب ۱۸۴۸
از شکست (۱۹۱۸، ۱۹۴۵)	از انقلاب (۱۷۸۹+)	دموکراسی
نازیسم (بومی)	ویشی (تحمیلی/همکاری)	فاشیسم
پارلمانی فدرال	ریاستی-پارلمانی	نظام فعلی
ارزش منفی (تجربه هیتلر)	ارزش مثبت (دوگل)	رهبری قوی

پارادوکس فرانسه-آلمان:

فرانسه که انقلاب دموکراتیک داشت، ۱۵ رژیم عوض کرد. آلمان که انقلاب ۱۸۴۸ را شکست داد و به فاشیسم افتاد، امروز دموکراسی پایداری دارد.

درس: مسیر رسیدن به دموکراسی، نتیجه نهایی را تعیین نمی‌کند.

۳.۳.۱ فرانسه در برابر ایالات متحده

جدول ۸.۱: مقایسه دو انقلاب: فرانسه و آمریکا

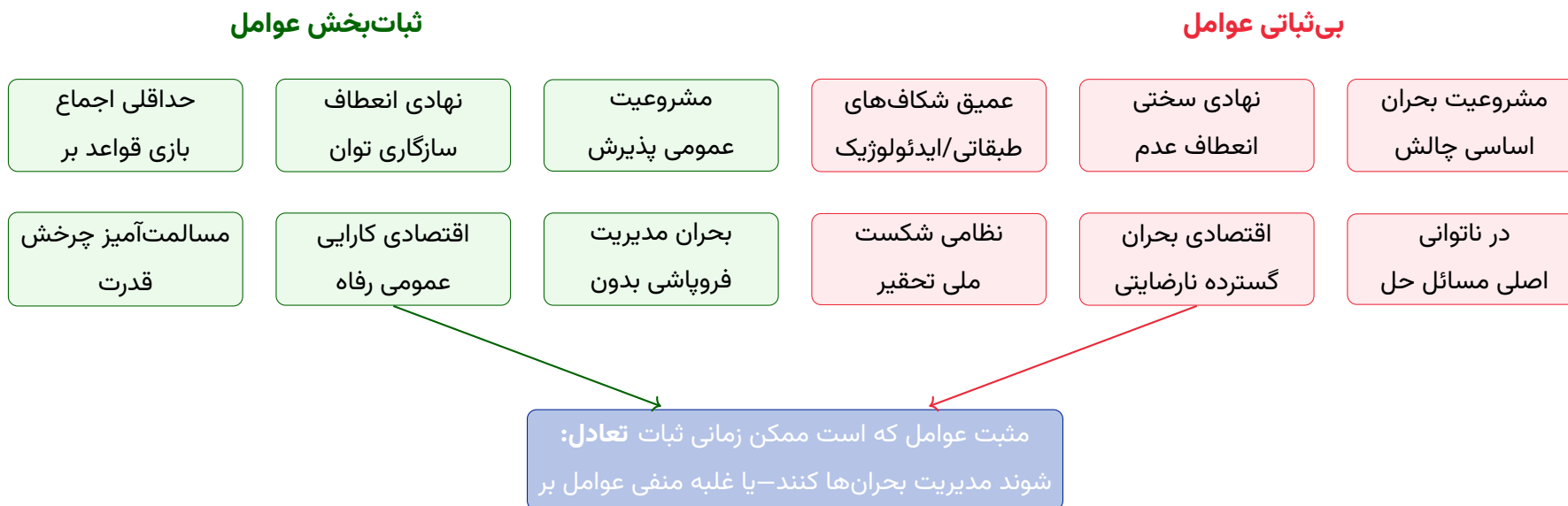
جنبه	فرانسه (۱۷۸۹)	آمریکا (۱۷۷۶)
هدف	تغییر جامعه موجود	ایجاد جامعه جدید
دشمن	رژیم قدیم داخلی	قدرت استعماری خارجی
خشونت	ترور، جنگ داخلی	جنگ استقلال
قانون اساسی	متعدد، ناپایدار	یکی، پایدار (۱۷۸۷)
مذهب	ضدکلیریکالیسم، لائیسیته	آزادی مذهبی، تکثر
تمرکز	دولت متمرکز	فدرالیسم
میراث	ایدئولوژیک، جهانی	نهادی، آمریکایی

«انقلاب آمریکا محافظه‌کارانه بود—حفظ حقوق موجود. انقلاب فرانسه رادیکال بود—ایجاد انسان و جامعه جدید.»

— هانا آرنت، «درباره انقلاب»

۴.۱ نقشه مفهومی: عوامل ثبات و بی‌ثباتی

فرانسه رژیم‌های بی‌ثباتی و ثبات عوامل



۵.۱ «استثنای فرانسوی» چیست؟

استثنای فرانسوی (Exception française)

برخی ویژگی‌هایی که فرانسه را از دیگر دموکراسی‌های غربی متمایز می‌کند:

۱. میراث انقلابی:

- انقلاب ۱۷۸۹ به عنوان «مبدأ تاریخ»
- حق شورش در فرهنگ سیاسی
- تقدس‌زدایی رادیکال از سلطنت

۲. لائیسیته:

- جدایی سخت‌گیرانه دین و دولت
- متفاوت از سکولاریسم آمریکایی یا انگلیسی
- دین = امر خصوصی

۳. دولت متمرکز:

- سنت دولت قوی از قرن هفدهم
- ژاکوبینیسم: دولت = ملت
- مقاومت در برابر فدرالیسم

۴. ایدئولوژی محوری:

- تفکر انتزاعی، اصول کلی
- «چپ» و «راست» اختراع فرانسوی است
- روشنفکران در سیاست

۵. فرهنگ تظاهرات:

- اعتصاب و تظاهرات = ابزار عادی سیاست
- نه فقط انتخابات
- «خیابان» به عنوان بازیگر سیاسی

«دیگر کشورها تاریخ دارند؛ فرانسه ایدئولوژی دارد.»

— سخن منسوب به ناپلئون

۶.۱ جمع‌بندی: درس‌های تاریخ فرانسه

جمع‌بندی: درس‌های تحلیل تطبیقی

درس‌های درونی (از تاریخ فرانسه):

- ثبات نهادی نیازمند اجماع حداقلی است
- انعطاف‌پذیری بهتر از سختی است (جمهوری سوم vs دوم)
- «مرد قوی» می‌تواند ثبات بیاورد، اما با ریسک اقتدارگرایی
- شکست نظامی می‌تواند رژیم را ببندازد
- انقلاب‌ها اغلب «ربوده» می‌شوند

درس‌های بیرونی (از مقایسه):

- تحول تدریجی (انگلستان) پایدارتر از انقلاب رادیکال است
- مسیر رسیدن به دموکراسی، سرنوشت نهایی را تعیین نمی‌کند
- قانون اساسی نوشته ≠ ثبات (فرانسه vs آمریکا)
- هر کشور مسیر خاص خود را دارد

پرسش باقیمانده:

آیا جمهوری پنجم «پایان تاریخ» فرانسه است؟ یا باز هم چرخه تکرار خواهد شد؟

منابع فصل

- Viking, York: New Revolution. On Hannah. Arendt, ۱۹۶۳.
- Cam- Brittany. in Organization Rural Politics: against Peasants Suzanne. Berger, ۱۹۷۲ UP, Harvard bridge:
- UP, Cambridge Cambridge: Revolution. French the Interpreting François. Furet, ۱۹۸۱.
- UP, Harvard Cambridge: France. of Search In al. et Stanley, Hoffmann, ۱۹۶۳.
- UP, Yale Haven: New ed. nd۲ Democracy. of Patterns Arend. Lijphart, ۲۰۱۲.
- Beacon, Boston: Democracy. and Dictatorship of Origins Social Barrington. Moore, ۱۹۶۶.
- Rev- the since France in Society Civil Liberty: of Demands The Pierre. Rosanvallon, ۲۰۰۷ UP, Harvard Cambridge: olution.
- UP, Cambridge Cambridge: Revolutions. Social and States Theda. Skocpol, ۱۹۷۹.

- Alexis Tocqueville, de. The Old Regime and the Revolution. Trans. Stuart Gilbert. New York: Anchor, ١٩٥٥.
- Eugen. Weber, The Frenchmen: into Peasants of Modernization Rural France, ١٨٧٠-١٩١٤. Stanford: UP, ١٩٧٦.